

ناتو مراقب
دریای بالتیک باشد

از زمان الحاق فنلاند و سوئد به ناتو، تصورات پیرامون امنیت بالتیک در میان اعضای ناتو تقریباً پیروز‌مندانه بوده است. دریای بالتیک به عنوان «دریاچه ناتو» توصیف شده است و کشورهای مختلف بالتیک افزایش امنیت خود را جشن گرفته‌اند. با این حال، فعالیت اخیر روسیه در بالتیک نشان می‌دهد که اعضای ناتو باید در منطقه هوشیار باشند و حتی دفاع خود را تقویت کنند. روسیه که به طور فزاینده‌ای نسبت به نیت ناتو بدبین است، احتمالاً علیه این ائتلاف در بالتیک واکنش نشان خواهد داد. این فرآیند می‌تواند خطر تشدید تنش را به طور قابل توجهی افزایش دهد، زیرا ممکن است روسیه از ابزارهای جنگ ترکیبی خود برای به چالش کشیدن قدرت دفاعی ناتو استفاده کرده و اقدامات خرابکارانه را در مواردی صورت دهد. جغرافیای سیاسی منطقه بالتیک در ۲۰ سال گذشته به طور قابل توجهی تغییر کرده است. به رغم افزایش تهدید روسیه از سال ۲۰۱۴، این دریا به عنوان یک مسیر مهم کشتیرانی با حجم بالایی از ترافیک محموله‌ها، به طور فزاینده‌ای زیاد شده است. همچنین دریای بالتیک محل زیرساخت‌های مهم انرژی و مخابرات برای چندین کشور از جمله مزارع بادی فراساحلی، مبدل‌های انرژی جزر و مد و امواج، خطوط لوله گاز و کابل‌های ارتباطی زیر دریا است. چشم‌انداز امنیتی طی ۳۰ سال گذشته تغییر کرده است. در سال ۱۹۹۰، تنها دانمارک و آلمان عضو ناتو بودند. امروزه از ۹ کشور مجاور دریای بالتیک، هشت کشور عضو ناتو هستند و روسیه تنها استثناست. جزیره گوتلند سوئد در طول جنگ سرد نقش استراتژیک مهمی داشت و دولت سوئد در حال آماده شدن برای افزایش حضور نظامی در آنجا با هدف بازدارندگی در برابر حمله روسیه است. این تحولات از دیدگاه ناتو دارای نکات مثبت بسیاری است: جابه‌جایی نیروها در قلمرو متحدین آسان‌تر و سریع‌تر است و کنترل دریای بالتیک بسیار آسان‌تر شده است. اما بالتیک برای مسکو نیز از اهمیت حیاتی برخوردار است. بنادری مانند سنت‌پترزبورگ و پریمورسک برای صادرات نفت روسیه و واردات کالاهای مصرفی از جمله مواد غذایی اهمیت دارند. بدون بنادر دریای بالتیک، محموله‌های روسیه به‌طور قابل توجهی مجبورند مسیر طولانی‌تری را طی کنند و نروژ و فنلاند را دور بزنند. بالتیک برای ارتش روسیه نیز مهم است. منطقه کالینینگراد محل استقرار ناوگان بالتیک و سلاح‌های هسته‌ای روسیه است. این منطقه همچنین یک مرکز حمل و نقل مهم است و تنها بندر بالتیک روسیه است که در تمام طول سال بدون یخ باقی می‌ماند. تنش بین روسیه و اتحادیه اروپا بر سر دسترسی به کالینینگراد همچنان ادامه دارد. دریای بالتیک شلوغ‌تر و از نظر استراتژیک مهم‌تر است و احتمال درگیری را در صورت تحولات امنیتی افزایش می‌دهد. همچنین چندین مختصات حمله احتمالی را برای خرابکاری روسیه فراهم می‌کند. دریای بالتیک در دهه گذشته یک منطقه نسبتاً باثبات بوده که تمرکز آن بر ایجاد همکاری در انرژی بوده است. در نتیجه، برخی از زیرساخت‌ها در این منطقه آقدرها از امنیت برخوردار نیستند. گواه این مدعا حوادث خرابکاری مشکوک در نورد استریم ۱ و ۲ در سپتامبر ۲۰۲۲ و در بالتی کانکتور در اکتبر سال گذشته است. همانطور که معاون فرماندهی نیروی دریایی متفقین ناتو در هفته گذشته گفت: «تمام اقتصاد ما در زیر دریا در معرض تهدید است.» بنابراین ناتو باید حملات مکرر به این زیرساخت‌ها را پیش‌بینی کند زیرا روسیه تلاش می‌کند تا نفوذ خود را اعمال کند. نخست اینکه دولت‌ها باید محاسبه کامل ریسک زیرساخت‌های دریای بالتیک را انجام دهند و یافته‌های خود را با همسایگان و شرکای ناتو به اشتراک بگذارند و به افزایش درک محیط خطر بالتیک و چگونگی تغییر آن از زمان الحاق سوئد و فنلاند به ناتو کمک کنند. این اعضای جدید ناتو نیز می‌توانند به سایر اعضای ناتو درس‌های مهمی بیاموزند. آنها فعالیت‌های هیریدی روسیه را خوب می‌شناسند و طیف وسیعی از اقدامات متقابل را ایجاد کرده‌اند. این تبادل تجربیات همچنین می‌تواند شامل کمک‌های اعضای ناتو که مسئول دیگر سواحل دریای سیاه، مدیترانه و اقیانوس اطلس هستند، بشود. ناتو همچنین باید پیام‌رسانی و سیگنال‌دهی خود را به مسکو بهبود بخشد. یکی از دلایلی که روسیه دوست دارد از فعالیت‌های منطقه خاکستری برای اعمال نفوذ خود استفاده کند این است که ریسک‌پذیری خود را بالاتر از کشورهای ناتو می‌داند. روسیه همچنین معتقد است که فعالیت‌های منطقه خاکستری با توجه به دشواری انتساب آنها به روسیه و سطح انکار قابل قبولی که دارد، نسبتاً کم‌هزینه هستند. ناتو باید موفقیت خود را با استفاده از سیگنال‌های راهبردی در مورد تهدیدات هسته‌ای روسیه با اصلاح پیام‌ها و سیگنال‌های خود در مورد امنیت بالتیک شکل دهد تا اطمینان حاصل شود که روسیه متوجه می‌شود که فعالیتش در منطقه خاکستری هزینه‌ای به همراه خواهد داشت.



عکس: Reuters

پیمانکاران ارزان قیمت ترور یسم
داعش خراسان چیست و چگونه نیمی از نیروهای آن تا جیکستانی هستند؟

همچنین اضافه می‌کرد که این جنگجویان هر چند توان کنترل مناطق بزرگ را ندارند اما از نظر عملیاتی می‌توانند در زمینه عملیات‌های انتحاری یا عملیات‌هایی با هدف کشتار غیرنظامیان بسیار خطرناک باشند. نمونه این حملات را می‌توان در ۲۶ آگوست ۲۰۲۱، چند روز پیش از خروج کامل آمریکا از افغانستان مشاهده کرد که طی آن حدود ۱۷۰ نفر افغانستانی و ۱۳ نیروی نظامی آمریکا کشته شدند. در حال حاضر طالبان رابطه با داعش خراسان را انکار می‌کند و مدعی است با این گروه در افغانستان مبارزه می‌کند. جمهوری اسلامی ایران نیز برای تأمین امنیت مرزها و جلوگیری از ورود نیروهای داعش خراسان به داخل ایران، همکاری‌هایی با طالبان دارد. حسن کاظمی قمی، نماینده ویژه رئیس جمهوری ایران در امور افغانستان دی ماه ۱۴۰۲ در این باره گفت: «مقامات ایران و افغانستان در تهران با یکدیگر دیدار و بر همکاری بیشتر در حوزه امنیت مرزی تأکید کردند.» مقام‌های آمریکایی در برخی موارد ادعا کرده‌اند که طالبان اراده‌ای برای هدف قرار دادن یا بازداشت سران اصلی داعش خراسان ندارد. ژنرال مایکل اریک کوریلو، از فرماندهی سنتکام ارتش آمریکا در مارس ۲۰۲۳ طی نشست می‌گفت که کنگره آمریکا برگزار شد، گفت: «طالبان اراده‌ای برای رفتن به دنبال افراد ندارد.» در مقابل ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی طالبان این مسئله را رد کرده و گفته است که از آگوست ۲۰۲۱، بیش از ۱۷۰۰ نفر از اعضای داعش خراسان دستگیر و بیش از ۱۱۰۰ نفر از آن‌ها نیز کشته شده‌اند. طالبان در آوریل ۲۰۲۳ صوتی منسوب به ثناالله غفاری (لقب، شهاب‌المهاجر) منتشر کرد که طی آن غفاری از کشته شدن تعداد زیادی از هم‌زمانش در درگیری با طالبان سخن می‌گفت.

ایده‌نولوژی داعش خراسان چیست؟

بر اساس باورهای رهبران این گروه، داعش خراسان یک ولایت (استان) از دولت اسلامی به شمار می‌رود. خراسان در اسم این گروه به منطقه‌ای وسیع و تاریخی شامل بخش‌هایی از افغانستان، ایران، پاکستان، ترکمنستان، تاجیکستان و ازبکستان اشاره دارد. داعش خراسان معتقد است که باید یک دولت اسلامی در سطح جهان پدید آید و نوعی خلیفه‌گری فراملیتی براساس قوانین شریعت حاکم شود. از نگاه آن‌ها این خلیفه‌گری باید کاری کند که تمام اعضای جامعه سفت و سخت از قوانینی که براساس سنت و دستورات دینی وجود دارد، تبعیت کنند. در کتابی به نام «عقیده و منهج دولت اسلامی در زمینه تکفیر» که در سال ۲۰۱۶ منتشر شد آورده شده که هرکسی «قوانین شریعت» را رد کند، به عنوان «کافر» شناخته می‌شود و به تبع آن می‌تواند اعدام شود. در حالی که القاعده در گذشته مدعی مبارزه با دو دشمن یعنی «دشمنان نزدیک» (بازیرگان منطقه‌ای و شیعیان) و «دشمنان دور» (غرب) بود، داعش خراسان در ظاهر این مسئله را ادامه می‌دهد اما در حقیقت عملیات‌های آن‌ها نشان می‌دهد که مبارزه با «دشمن نزدیک» اولویت اصلی آن‌ها به شمار می‌رود.

در افغانستان و گروه طالبان داشت. براساس پژوهش مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی (CSIS)، در سال ۲۰۱۵، اختر منصور رهبر وقت طالبان از جنگجویان داعش خراسان خواست که «بزرگ یک پرچم» جمع شوند اما با استنکاف داعش خراسان از این مسئله و بالا گرفتن درگیری‌ها، شورای کوبته طالبان در دسامبر همان سال دستور داد تا نیروهای ویژه این گروه در قالب «واحد سرخ» جنگ با داعش خراسان را آغاز کنند و تلاش کنند تا مناطق تحت تصرف این گروه را در اختیار بگیرند. در تحقیقات مرکز مقابله با تروریسم دانشگاه وست‌پوینت آمریکا که در مارس ۲۰۲۰ منتشر شده، آمده است که در نتیجه درگیری‌ها، سرانجام در سال ۲۰۱۸ داعش خراسان پذیرفت که تسلیم طالبان شود و مناطق تحت تصرف خود را رها کند و به طالبان بدهد. اما این پایان ماجرای داعش خراسان نبود و فعالیت‌های آن‌ها همچنان به روش‌های مختلف و در مناطق گوناگون افغانستان ادامه یافت. نکته قابل توجه این است که روابط طالبان و داعش خراسان همواره هم تنش‌آلود نبود و روایت‌هایی از همکاری میان آن‌ها در برخی موارد وجود دارد. بخش‌هایی از شبکه حقانی که در حال حاضر بخشی از طالبان به حساب می‌آید، همکاری‌هایی با داعش خراسان داشتند. برای نمونه، وزارت دفاع افغانستان در سال ۲۰۱۸ در واکنش به یک حمله تروریستی که داعش خراسان مسئولیت آن را پذیرفته بود، اعلام کرد که «تحقیقات نشان می‌دهد این حمله توسط عناصر شبکه حقانی صورت گرفته است.»

بازیرگان بین‌المللی حاضر در افغانستان نیز عملیات‌های زیادی را برای مقابله با گروه تروریستی داعش خراسان ترتیب دادند. ایالات متحده و دولت وقت افغانستان در همین راستا کارزار را در شرق افغانستان برای مقابله با داعش خراسان به راه انداختند و براساس گزارش‌هایی که از آن زمان وجود دارد، موفق شده بودند تعدادی از رهبران ارشد میانی این گروه از جمله اسلم فاروخی رهبر آن‌ها را کشته یا دستگیر کنند. پس از این تحولات، داعش خراسان در سال ۲۰۲۰، فردی به نام شهاب‌المهاجر را به عنوان رهبر جدید انتخاب کرد. المهاجر پیش از آن به عنوان برنامه‌ریز اصلی داعش خراسان برای حملات شهری فعالیت می‌کرد و کمی قبل‌تر نیز یکی از فرماندهان میان‌شبکه حقانی بود.

او توانست سال‌های آینده را به سال‌های بسیار خونبارتری تبدیل کند. در سال ۲۰۲۰، به رغم اینکه داعش خراسان مناطق بسیار کوچکی را در اختیار داشت اما موفق شد حملات تروریستی زیادی را ترتیب دهد که از جمله آن‌ها حمله به کابل در مه ۲۰۲۰ (۲۴ کشته) و حمله به دانشگاه کابل در نوامبر ۲۰۲۰ (۲۲ کشته) بود. در این زمان دامنه فعالیت‌های داعش افغانستان، جدی‌تر از قبل در کشورهای همسایه نظیر تاجیکستان، پاکستان و هند گسترده شد.

در ژوئن ۲۰۲۱، سازمان ملل متحد تخمین زد که ساختار داعش خراسان را یک هسته مرکزی از جنگجویان با حدود ۱۵۰۰ الی ۲۲۰۰ نیرو تشکیل می‌دهد که محل استقرار آن‌ها در استان‌هایی نظیر کُتر و ننگرهار است. این گزارش

سازمان ملل متحد

تخمین زد که ساختار

داعش خراسان را

یک هسته مرکزی از

جنگجویان با حدود

۱۵۰۰ الی ۲۲۰۰

نیرو تشکیل می‌دهد

که محل استقرار آن‌ها

در استان‌هایی نظیر

کُتر و ننگرهار است.

این گزارش همچنین

اضافه می‌کرد که این

جنگجویان هر چند

توان کنترل مناطق

بزرگ را ندارند اما از

نظر عملیاتی می‌توانند

در زمینه عملیات‌های

انتحاری یا

عملیات‌هایی با هدف

کشتار غیرنظامیان

بسیار خطرناک باشند.



محمدحسین لطفاله‌هی

خبرنگار گروه بین‌الملل

کمتراز ۳ ماه پس از حمله تروریستی خونین به شهر کرمان در ایران، چند مهاجم مسلح در شهر کروکوس در نزدیکی مسکو به یک سالن کنسرت حمله‌ور شدند. این دو حمله که روی هم بیش از ۳۰۰ قربانی گرفت و به مجروح شدن صدها نفر انجامید، دو نکته مشترک داشتند: هر دو توسط یک گروه تروریستی به نام «داعش خراسان» و از طریق گروهی از مهاجمان باملیت تاجیکستانی انجام شده بودند.

دولت اسلامی استان خراسان (ISKP) یا داعش خراسان (ISIS K) شاخه‌ای از داعش است که بیشتر در مناطق مرکزی و جنوب آسیا فعال است و عملیات‌های خونین زیادی را طی سال‌های اخیر در منطقه ترتیب داده است. این گروه که در حال گسترش دامنه فعالیت‌های خود به حوزه اوراسیا است و هشدارهایی درباره احتمال سرایت حملات این گروه به سایر نقاط اروپا وجود دارد، به یک نگرانی جدی برای بسیاری از کشورها بدل شده اما مقابله با تروریسم در منطقه هنوز به‌عنوان یک اولویت دیده نمی‌شود و اقدامات کافی برای جلوگیری از گسترش این پدیده صورت نمی‌گیرد.

داعش خراسان چگونه ایجاد شد؟

دولت اسلامی استان خراسان در سال ۲۰۱۴ با جذب تعدادی از جنگجویان جدا شده از تحریک طالبان پاکستان (TTP)، القاعده و طالبان افغانستان که در کشورهای افغانستان و پاکستان فعال بودند، تشکیل شد. در حالی که بسیاری از این جنگجویان به خانه‌هایشان بازگشته بودند و سرنوشته مشخصی نداشتند، نمایندگان دولت اسلامی عراق و شام به افغانستان و پاکستان سفر کرده و تلاش کردند با جمع‌آوری آن‌ها از طریق مذاکره با تعدادی از فرماندهان نظامی ارشد به ویژه فرماندهان تحریک طالبان پاکستان، شاخه جدیدی از داعش را در این منطقه تشکیل دهند. این تلاش‌ها در ژانویه ۲۰۱۵ و پس از صدور بیانیه داعش که طی آن تشکیل شاخه «استان خراسان - Khorasan Province» اعلام شده بود، رسمیت یافت. در آن زمان ابوبکر بغدادی، خلیفه وقت داعش نیز طی حکمی حافظ سعیدخان را به عنوان اولین امیر داعش خراسان منصوب کرد. حافظ سعیدخان که پیش از آن مسئولیت فرماندهی نظامی یکی از واحدهای تحریک طالبان در پاکستان را بر عهده داشت، با استفاده از روابط گسترده خود در این کشور اقدام به جذب نیرو کرد و نفوذ داعش خراسان در افغانستان و پاکستان را توسعه داد. تاریخچه داعش خراسان از اینجا به بعد یکی از خشن‌ترین روایت‌ها در تاریخ معاصر است. این گروه تروریستی مرتباً درگیری‌های گسترده‌ای با نیروهای امنیتی دولت افغانستان، نیروهای نظامی خارجی حاضر